

رهائی زنان شرط رهائی جامعه، بخش دوم (۱)

خانواده سلول پایه جامعه سرمایه داری را تشکیل می دهد، و خانواده های کارگری اکثریت غالب این سلول ها را. بقای هر دولتی بر سلطه اش بر جامعه بستگی دارد. فرا رفت از فرهنگ سلول خانواده، یعنی از سنت پدرسالاری در تمام ابعادش، فرهنگ کلان جامعه، سلطه دولت بر جامعه را به چالش می کشد.

حیات خانواده چه به لحاظ تداوم سلطه "دولت جمهوری اسلامی" بر جامعه و یا چالش بنیادی این رژیم نقشی محوری ایفا می کند. خانواده به مثابه سلول پایه جامعه سرمایه داری ایران با ایدئولوژی مذهب شیعه، در همان آن کارگاه تولید نسل انسان در معنای گسترده و بویژه تولید نسل کارگر، از یک سو و ایستگاه دریافت انرژی برای مصرف در کنش فیزیکی/ذهنی توسط کارگر را تشکیل میدهد. هستی خانواده برآمد دو مجموعه از کنش هاست. دجا با کاربرد دستگاه های گسترده مهندسی افکار، نظرات و آراء اش نسبت به خانواده را موافق با ایدئولوژی مذهب شیعه پدرسالاری به کارگاه خانواده القاء می کند. ولی، استثمار نیروی کار فیزیکی / ذهنی زنان و مردان کارگاه خانواده شرائط بالقوه پاد زهرالقائات دجا را در بطن خانواده هستی می بخشد.

بنا به شرائط روابط پیشا-سرمایه داری زن و مرد در فرایند تولید طبیعی شرکت می کردند. در این دوره نه تمایزی بین کار مرد و زن وجود داشت و نه در ماهیت عنصر کار. با پدیدار شدن روابط سرمایه داری (۲) کار خصلت ویژه ای یافت؛ اکنون کار نه تنها فروزه، خصلت، کالائی پیداکرد، بلکه کار - در شکل کاراجتماعا ضروری معیارسنجش کالاها و اساس کسب ارزش اضافی کارگزار سوی سرمایه دار گردید (۳). سرمایه طوقی بر گردن کارگرمرد نهاد و طوق دوگانه ای برگردن زن - به لحاظ کار فیزیکی/ذهنی و کالاشدن بدن زن. مرد کارگر در کارگاه های تولیدی-خدماتی استثمار شدند، ولی همسرزن هم در کارگاه های تولیدی-خدماتی و هم در کارگاه منزل- شامل تولید نسل و اداره منزل.

باهداف کشیدن بیشترین نرخ ارزش اضافی از کارگر، و با رعایت توازن نیروی طبقاتی، سرمایه دار دستمزد کارگر را حد اقل تعیین کرد. اما، آنچه دستمزد نام دارد، درحقیقت چیزی غیر از قیمت باز تولید نیروی کار کارگر نیست. کارگر نیروی کار فیزیکی/ذهنی اش را در فرایند تولید تخلیه کرده، و برای اینکه فردا دوباره وارد فرایند تولید گردد باید با تغذیه نیروی کار فیزیکی-ذهنی اش را بازتولید کند. اما، سرمایه دار زرننگ ما نه با احتساب غذای آماده، بلکه معادل قیمت مواد غذایی خام دستمزد کارگر را تعیین می کند. اگر دستمزد کارگر کفاف می کرد، کارگر مرد با همسرش در رستوران غذا صرف می کردند. ولی، دستمزد بالا تصاحب نرخ ارزش اضافی مطلوب از جانب سرمایه دار را کاهش می دهد. از اینرو، کار کارگر زن در کارگاه خانه در تهیه غذا در خدمت سرمایه قرار می گیرد. فعل کار صرف انرژی فیزیکی/ذهنی متنوعی چونان ورزش کردن، آوازخواندن، رقصیدن و بالاخره فعل کار در کارگاه منزل و کارگاه های تولیدی/ذهنی را شامل می شود. سرمایه داری جهانی و از جمله دجا کار درون منزل را به رسمیت نمی شناسد، به سخن دیگر زن کارگر در کارگاه منزل برده بی مزدی است. زن کارگر باید با حصه ای از دستمزد همسرش مغازه ها و فروشگاه ها را زیر پا درنورد تا محتملا ارزان ترین مواد غذایی را ابتیاع کند، سپس غذا به پزد و دیگر کارهای منزل را انجام دهد (۳). نه تنها سرمایه داری کار زن در کارگاه مسکن را به عنوان وظیفه زن خانه دار تعریف می کند، بلکه، بنا به سنت پدرسالاری طرز تلقی همسر مرد هم نسبت به همسر زن تفاوت چندانی با نگرش دجا به جنس زن ندارد. چرا که پذیرش برابری جنسی از سوی همسر مرد به فرارفتن از سنت پدرسالاری عام و زدوده شدن سموم تلقینان ضد زن ایدئولوژی مذهب شیعه حاکمیت نیاز دارد (۴). اگر، در کشورهای سکولار، یا جدائی دین از دولت، نابرابری جنسی نه در بسته بندی حقوقی و قانونی بلکه در کنش های اجتماعی همچون کالاشدن بدن زن، پرنوگرافی، تن فروشی، پرداخت دستمزد کمتر به زنان برای کار مشابه با مردها و غیره اعمال می شود. در دجا زن نصف مرد تعریف شده و نابرابری جنسی بنا به قانون الهی هر روز از رسانه های جمعی حاکمیت جار زده می شود. حجاب

اسلامی به دختر بچه ها پوشانده می شود، وقتی دختر بچه ها به سن ۹ سالگی رسیدند به اصطلاح جشن تکلیف برگزار می کنند و در سیزده سالگی شوهرش می دهند [حتی این سن نیز نه در موارد کمی رعایت نمی شود (۵)]. مرد می تواند با چهار زن ازدواج کند. برای اینکه، گستره کسب لذت جنسی مردسالاری را به کمال رساند، دجا نوع اسلامی تن فروشی را در قالب صیغه عرضه کرده است (۶) و غیره. ولی تمام این مجموعه قوانین ایدئولوژی مذهب شیعه ضد زن حاکمیت نه در سکوت زنان، بلکه، زنان به شیوه های گوناگون علیه سنت پدرسالاری مبارزه کرده اند (۷)؛ و متأسفانه عموماً بی پشتیبانی از سوی مردان. اگر امروز، دجا تخفیف کوتاهی مانند پیدا شدن مو از پوشش روسری یا لباس با رنگ های شاد زنان را تحمل می کند، نه پیشکش دجا، بلکه ثمره مبارزه نزدیک به چهار دهه زنان برای حق انتخاب پوشش بوده است. نباید فراموش کرد، وقتی خمینی بر خلاف اظهارات پیشینش در پاریس، در فردای به قدرت رسیدن فتوای حجاب اسلامی داد و زنان در اعتراض اقدام به راهپیمایی نمودند (۸)، تمام جریانات مردسالار در حاشیه تماشاگر شدند و گروه های حزب اله خمینی نعره یا روسری یا توسری را دادند (۹)!

با کمال تأسف، هنوز، سنت مردسالاری در درون رنگین کمان جمع ها و تشکلات سیاسی چپ و فعالین کارگری جان سختی می کند. در همه کشورها، و از جمله ایران، سنت و تبلیغات پدرسالاری آن چنان قوام گرفته، که گویا از زمان نسل انسان های اولیه تا اکنون پدرسالاری تنها شکل رابطه بین مرد و زن بوده است. ولی، شواهد تاریخی کذب چنین ادعائی را ثابت می کند. وجود مجسمه های الهه ها، خدایان زن، Goddesses، در بین النهرین، شرح گذار از مادرتباری، سالاری، به پدرسالاری در حماسه های تاریخی همچون "گیل گمش" و "الیاد و ادیسه" هومر (۱۰)، کشف منشاء خانواده، توسط انسان شناس آمریکائی لوئیز هنری مورگان (۱۱)، اثر انگلس بنام "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، بقایای جوامع دوران بالای سنگی در گینه نو، آمازون، بولیوی، پرو، آفریقا، تحریر رساله های فراوان درباره دوران مادرتباری، سالاری، به زبان های گوناگون از جمله فارسی و بالاخره واژه مادرسالاری، Matriarchal، نه تنها در فرهنگ لغات غربی، بلکه حتی در فرهنگ لغات فارسی دکتر منوچهر آریان پور کاشانی آورده شده است؛ همه ی اینها مشعر بر دورانی است که جایگاه زنان آنچنان والا بوده است که در مجسمه های خدایان زن نمادین شدند. دوران کمونیسم، کمون های، اولیه شاخص دوران برابری اجتماعی بر بنیاد مادرسالاری بوده است. بنا به شرائط و اخلاق آن دوران زنان موقعیت اجتماعی ارجمندی نسبت به مردان داشتند، ولی مردان تحقیر هم نمی شدند.

آمیزش بین زنان و مردان

یکم- زمانی محدودیتی وجود نداشته (۱۲)، دوم- در بین یک گروه محدودیت نبوده، سوم- یک زن با چند مرد یا دوره چند همسری از سوی زن، Polyandry- در هندوستان و تبت، چهارم- یک مرد با چند زن، چند همسری، Polygamy-، برابر با ایدئولوژی اسلام در ایران نیز مرسوم است، پنجم- تک همسری (۱۳) همراه با همخوابگی در خارج از حلقه ازدواج.

رابطه جنسی و مقوله ازدواج

دختر و پسر در سن بلوغ هم برای کسب لذت جنسی متقابل و هم برای بقای نسل انسان با هم می خوانند. این دو کنش، از زمان انسان های اولیه تاکنون خصلت طبیعی آنها را شکل داده است. همچنین، بنا به غریزه بقای بشری، مادر نوزادش را شیر داده، دوست داشته و پرورش اش می کند. در دوران های گذشته فرزندان با مادر شناخته می شدند، و این سرشت طبیعی بوده است. در این دوران زنان به نسبت مردان احترام و الاتری داشتند. تا اینکه، زمانی بس بعدها، با ظهور و غلبه پدرسالاری ساختار اجتماعات آن زمان متحول شدند، و موقعیت زن تنزل کرد، طبقات بوجود آمدند و روابط جدیدی، چونان انواع ازدواج ها بین زن و مرد موافق با فرایند تحول جامعه پدرسالاری مرسوم گردید. اگر پیشتر، آغاز زندگی مشترک زن و مرد بر پایه میثاقی جز غریزه طبیعی کشش بین دو جنس و بقای انسانها بنیاد نبود، اکنون قید و بندهای گوناگونی در بهم آمدن دختر و پسر در اقصی نکات دنیا

شکل گرفتند. در سنت هائی پداران بچه های دختر و پسر شیر خوار را عقد می کردند. شوهر دادن شاهزاده دخترها به مانند ابزار سیاسی بین حکومت ها شیوه ی رایجی بوده است. در انگلستان تا قرن بیستم، به عنوان رئیس و آمر منزل پدر تصمیم می گرفت دخترش را به کدام مردی شوهر دهد. اغلب، پدران طبقه بورژوا بنا به مقتضای سیاسی یا اقتصادی دخترش را به صاحبان زر و زور، که سن زیادتری از دخترش داشتند، زن می دادند. 'مری ول استون کرافت' بنیانگذار فمینیسم در اواخر قرن هیجدهم با شجاعت چنین ازدواج هائی را رابطه تن فروشی در بین طبقات دارا نامگذاری کرد. در هندوستان الزام برای پرداخت مهریه از طرف خانواده عروس به خانواده داماد موجب شد که بسیاری از خانواده ها به جادو و جنبل پناه می بردند تا نوزاد دختر نیاورند؛ یا از استیصال طفل دختر را ناپود کنند. گونه دیگری از مهریه، داماد رابه پرداخت و یا تعهد به پرداخت مهریه متعهد می کرد، پیش از اسلام در مکه رایج بوده و خانواده های متشخص دخترانشان را در مقابل دریافت مبلغی که به آن صداق می گفتند به یکدیگر می دادند و تصمیم با پدر یا ولی دختر و پسر بود. به این شیوه بعوله می گفتند (برگرفته شده از کلمه بعل به معنای شوهر). همین شیوه از همسری بود که ایدئولوژی اسلام بر آن صحنه گذاشت و به عنوان ازدواج رسمی تأیید کرد. هم اکنون، این شیوه در ایران هم رواج دارد. البته با عواقب ناهنجار گوناگون (۱۴). درحقیقت، در میثاق مهریه از سوی داماد، عروس همچون کالائی به داماد فروخته می شود.

ازدواج دیگری بنام مسیاری نوعی ازدواج است که در سالهای اخیر در برخی از کشورهای اسلامی رواج یافته و مورد استقبال عدهای از زنان و مردان عرب واقع شده است. از آنجا که اهل تسنن ازدواج موقت را مشروع نمی دانند؛ برای پاسخ به نیازهای جنسی برخی از مردان و زنان جوان ازدواج مسیاری مطرح نموده اند. مسیاری، گونه ای از ازدواج دائم مشروط به این است که زن حق نفقه و همخوابگی نداشته و شوهر مختار است، هر وقت بخواهد نزد زن برود. زن نیز در زندگی خود آزاد بوده و مرد نسبت به وی ریاست و مدیریتی ندارد. در کشورهای لیبرال دموکراسی مهریه یا میثاق مهریه هم در شیوه ازدواج مذهبی و هم در ازدواج سکولار، که عروس و داماد در اداره ازدواج دفتر ازدواج را امضا می کنند، منسوخ شده است. مهم ترین نکته، سنت جدیدی از آغاز زندگی مشترک بدون ازدواج بین بسیاری از جوانان پدیدار شده است. در همین تاریخ خانه دجا، عده ای از دخترها و پسرها پیش از ازدواج برای مدتی با هم زندگی می کنند، و البته صدای آخوندهای تاریک اندیش را درآورده اند. با این مختصر، ازدواج در هر نوعش نه یک سنت طبیعی و جاودانه، بلکه بنا شرایط اجتماعی قواعد ازدواج تحول کرده، و حتی مشابه سنت های دیگر به جا مانده از گذشته، رگه هائی از سنت های ازدواج های گذشته تا زمان ما خزیده اند. همچنین، باید افزود که برخلاف تحریفات ایدئولوژی اسلام و به ویژه مذهب شیعه، زنان پیش از اسلام از موقعیت اجتماعی انسانی تری بهره می بردند (۱۵). به نتیجه، با وجود تدوام سلطه پدرسالاری در جوامع گوناگون، برای عده ای آغاز زندگی مشترک بدون ازدواج نمادی از سنت غریزی لذت متقابل و بقای انسان ها در دوران جوامع اولیه را جلوه می دهد، هم چنانکه، پیدائی کمون ها و بویژه در کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه در درون جهان سرمایه داری نمادی از سنت کمون های اولیه را تجلی می کنند.

بهره، ازدواج مقوله ای است سرآغاز سامان یافتن خانواده، و سلول بنیاد جامعه سرمایه داری ایران. در بدو به قدرت رسیدن خمینی، جمعیت ایران کمتر از ۴۰ میلیون نفر بود، و هنوز نرخ تومان چونان امروز سقوط نکرده بود. بدون آگاهی به عواقب اقتصادی ازدیاد جمعیت، خمینی ازدواج و بچه دار شدن را تشویق نمود. سپس، با بروز تنگناهای اقتصادی ناشی از ازدیاد جمعیت، ایران شاید اولین کشوری با ایدئولوژی اسلامی بود که کارخانه تولید کاندوم تاسیس کرد، و زنان در آزمایشگاه کیفیت کاندوم را واپاد، کنترل، می کنند. کارخانه کاندوم سازی، علاوه بر تامین بازار داخلی، کاندوم به خارج صادر می کند.

مبارزه با پدرسالاری عرصه مهمی برای تشکل یابی طبقه کارگر

"موسسات تولیدی-خدماتی"، "محلات کارگری" و "فضای بین ایندو"، هر سه عرصه های مبارزه و سازمانیابی زنان و مردان را سامان می دهند. ولی، دیوار پدرسالاری در هر سه فضا بهم آمدن مردان و زنان کارگرا مانع شده است. هم اکنون، در کشورهای غربی، پدر و مادر خانواده های کارگری دست بچه هایشان را گرفته و یا قلم دوش در راه پیمائی های اعتراضی شرکت می کنند- به یک سنت پایدار تبدیل گردیده است. چرا فعالین کارگری زن و مرد ایران این شیوه از راه پیمائی و همایش را از هم طبقه ای هایشان در کشورهای غربی تجربه نکنند. این یک سؤال واقعا بجائی است. دجا، از کاربرد شیوه های طبقات سرمایه داری جهانی علیه طبقه کارگرایران بهره می گیرد. اخیرا، مدیر کل سیاستگذاری و توسعه از طرح کارورزی، کارآموزی، Apprenticeship، برای اشتغال فارغ التحصیلان خبر داد! تاریخ کارورزی یا کارآموزی به اواخر دوره قرون وسطی بر می گردد.

۱- "فضای بین موسسات تولیدی-خدماتی و محلات کارگری". این فضا، تاکنون، از زمان تاسیس سلسه صفویه با ایدئولوژی مذهب شیعه، عموما تریبون بلامنازع آخوندها بوده است. با سود بردن از آزادی بیان و تشکل برای ایدئولوژی مذهب، آخوند ها عقاید ایدئولوژی مذهب را قویا ملکه ذهن مردم کردند. مضاف براین، جریانات التقاطی مذهبی با ارائه خوانش به اصطلاح مترقی از ایدئولوژی شیعه، کمبود نظری آخوندهای متحجر را جبران کردند. بالاخره، در جناح چپ به یک نقل قول بسنده کنم: ایرج گل سرخی در دادگاه شاه گفت، من سوسیالیسم را از علی آموختم! از اینرو، به پشتوانه نفوذ سنت ایدئولوژی مذهب در بین خانواده ها، با بروز و تشدید بحران سرمایه داری و گشایش فضای سیاسی، جریان خمینی سرمایه داری فرو رفته در بحران را نجات داد. به سخن دیگر، با ناتوانی دیکتاتوری شاه برای سرکوب انقلاب، این وظیفه به دوش گرایش خمینی افتاد.

علیرغم سلطه اختناق دجا بر جامعه، فضای بین "موسسات تولیدی-خدماتی و محلات کارگری" کاملا بروی اپوزیسیون بسته نشده است. اعتراضات گوناگون در این فضا برگزار می شوند. از نظر رژیم اعتصاب حرام است. ولی، کارگران اقدام به اعتصاب نموده حتی آنرا به بیرون از کارخانه می کشند. کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه بارها جاده اندیمشک به اهواز را مسدود کرده اند. کارگران اعتصابی جلو ادارات دولتی و بویژه مجلس گردهمائی برگزار می کنند. عموما دراین اعتراضات فضای بیرون از کارخانه روحیه مرد سالاری دیواری بر روی حضور زنان کارگر کشیده است. اگر، دجا با کاربرد سیاست های ضد کارگری، مانند خصوصی سازی، تقسیم کارخانه های بزرگ به بخش های کوچکتر و در اختیار مقاطعه کاران گذاشتن و غیره، وحدت کارگران را شقه شقه می کند، سنت مردسالاری از درون طبقه کارگر را به دو نصف تقسیم کرده است. اگر به گذشته برگردیم، زنان و مردان در اعتصابات و اعتراضات شرکت کرده اند(۱۶). در نبرد حلبی آباد خاک سفید در سال ۱۳۵۶ زنان و مردان دوش به دوش همدیگر با ژاندارم های رژیم دیکتاتوری شاه جنگیدند. سپس، جوانان دختر و پسر و مردان و زنان درکنار همدیگر در انقلاب شکست خورده سال ۱۳۵۷ شرکت کردند. ولی، عموما سال هاست که حضور زنان در اعتصابات و اعتراضات کارگران مرد رویت نمی شود. کارگران نیشکر هفت تپه اعتصابشان را به بیرون از کارخانه به جاده ها می کشند، ولی، نشانی از حضور خانواده کارگران دیده نمی شود، غیره. ولی، بااین وصف، کاملا فضای بین "موسسات تولیدی-خدماتی" و "محلات کارگری" بروی زنان بسته نشده است. ما با ابتکار زنانی روبرو هستیم که به صف اعتراض کارگران پیوسته اند. چند مورد را یادآور شوم. زنان معدنچیان سنگ آهن بافق نقش مهمی در اعتصاب معدنچیان در سال ۱۳۹۵ ایفا کردند. حدود یک ماه پیش، در راه پیمائی اعتراضی کارگران بازنشسته اصفهان در خیابان چهار باغ اصفهان دو نفر زن در بین شمار زیادی از بازنشسته ها دیده می شدند. این دو زن کارگر دیوار مردسالاری را فروریخته بودند. اگر، ایندو کارگر زن همسر داشتند، آنان نیز به قسمی تیشه به ریشه مردسالاری زده اند. روز ۴ مرداد ۱۳۹۶ مردم آبپخش بوشهر به دلیل نگرانی از تخریب محیط زیست مانع کلنگ زنی پتروشیمی توسط وزیر صنعت، معادن و تجارت و استاندار شدند. این اقدام از دوجنبه حائز اهمیت بود: یکم رشد آگاهی مردم نسبت به حفظ محیط زیست، دوم، گرچه اکثریت شرکت کنندگان را مردها شامل می شدند،

ولی چند نفر زن نیز در این حرکت اعتراضی حضور داشتند. در تجمع معلمین بازنشسته در روز ۲۴ مرداد در جلو مجلس زنان و مردان معلمین بازنشسته شرکت کردند. بالاخره، و جالب تر از همه در مسابقه اسب سواری سنندج زن و مرد شرکت کردند (۱۷)

۲- پدرسالاری در کارگاه های تولیدی-خدماتی

در دو قرن گذشته آنچه بنام جنبش های کارگری پراتیک می شدند، در واقع جنبش های پدرسالاری، مردسالاری، بوده اند. اگر، احيانا به مسئله نابرابری جنسی عطف توجه می شد، قرار بود که در پیامد انقلاب آینده تبعیض جنسی یا رهائی زنان تحقق یابد- نه اینکه، از هر موقعیت فی الحال چه به لحاظ نظری و عملی بهره برده و با پدرسالاری مبارزه می شد. در واقع، شعار کارگران جهان متحد شوید، صرفا نگاهش به کارگران مرد بود و پدرسالار.

بی مناسبت نیست، ابتدا به عروج طبقه کارگر صنعتی در اولین کشور سرمایه داری جهان در انگلستان بطور لحظه ای نگاه کرد. با پدیدار شدن انقلاب صنعتی در اواخر قرن هیجدهم و اوائل قرن نوزدهم در انگلستان، سرمایه داران منبع عظیم نیروی کار ارزان زنان را استخدام کردند. از همین زمان، زنان کارگر روحیه پدرسالاری کارگران مرد و اتحادیه ها (۱۸) و استبداد صاحبان کارخانه را چالش کردند. تا اواخر قرن نوزدهم کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان، TUC، از اتحادیه های صنعتی صنفی محافظه کار و پدرسالار سامان یافته بودند. اینان نسبت به شرائط کار و معیشت توده های بس فراوان کارگران یدی، دستی، احساس همبستگی ابراز نمی کردند. اتحادیه های کارگری صنفی محافظه کار تا مقطع فروش کارگران دستی در سال ۱۸۸۹ با بهره گیری از اهرم سازگان، یا سیستم، کارورزی، apprenticeship، از موقعیت ممتازشان علیه توده های کارگر با حسادت حفاظت می کردند. تا اینکه، در سال ۱۸۸۹، کارگران دختر "کارخانه کبریت سازی براینت می، Bryant May Matches Factory"، (۱۹) به قدرت مبارزاتشان توانستند، نه تنها، اولین اتحادیه زنان کارگر جهان را تاسیس کرده، و آغازگر فروریختن دیوار پدرسالاری اتحادیه های کارگری گردند؛ بلکه، جرقه جنبش کارگران یدی، دستی، بسان باراندازان، کارگران گاز و غیره گردند. تحت رهبری فعالین سوسیالیست، مانند الن مارکس (۲۰) کارگران یدی اتحادیه های نوین با افق سوسیالیستی را تشکیل دادند.

بیش از نیم قرن بعد (در سال ۱۹۴۵، پایان جنگ خانمان سوز جهانی دوم، حزب کارگر به قدرت رسید) از خیزش کارگران دستی در سال ۱۸۸۹، و تقریباً دو دهه بعد از آغاز دولت رفاه، در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۵۹، حزب کارگر منشوری شامل پرداخت دستمزد برابر برای کارگر زن و مرد برحسب کار برابر را انتشار داد. سپس، در سپتامبر ۱۹۶۵ کنگره اتحادیه های کارگری از اصول رفتار و فرصت برابر با زنان کارگر در صنعت پشتیبانی کرد، و شورای عمومی را موظف نمود موضوع حق پرداخت دستمزد برابر برای کار برابر به کارگران زنان و مردان را، که حزب کارگر در بیانیه انتخاباتی ۱۹۵۹ قول داده بود، پیگیری کند.

ولی، هیچ اقدام فوری نه از طرف دولت (حزب کارگر) و یا اتحادیه های کارگری انجام نگردید. گرچه، بعدها، لوایحی به تصویب پارلمان رسیدند، اما، هنوز تأثیرات نابرابری جنسی چه در پرداخت دستمزد و حقوق، خشونت در خانواده و کالاشدن بدن زن و غیره در انگلستان و سایر کشورها، به عنوان عوارض کارکرد غیر انسانی و کریه روابط سرمایه داری همچنان ادامه دارد.

با این مختصر، زنان کارگر ایران کدام درس هائی را از تجربیات طبقات کارگر کشورهای دیگر می توانند بیاموزند. ابتدا، به یک گفته حکیمانه اشاره کنم: حق گرفتنی است و نه دادنی. اتحادیه های کارگری و عالی ترین نهاد رهبری اش کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان زنان کارگر را به امان سرمایه رها کردند. این دختران کارگر "کارخانه کبریت سازی براینت می" بودند که به پا خواستند، و به پشتوانه اعتصاب یک پارچه مطالباتشان را به سرمایه دار کارخانه تحمیل کرده و اولین اتحادیه

زنان کارگر دنیا را بنیاد کردند. همچنین، حق رای به زنان نه هدیه طبقه سرمایه دار انگلستان، بلکه نتیجه مبارزه طولانی زنان برای کسب حق رای بوده است (۲۱).

در ایران کارگران معلم زن موقعیت بالقوه، اندرتوان، ذهنی ویژه ای در درون طبقه کارگر ایران دارند. (من در بالا به کارفیزیکی و ذهنی اشاره کردم، انجام فرایند هر دوی نیاز به صرف انرژی دارد. اگر، ترفندهای دجا، مشابه نیرنگ های سایر دولت های سرمایه داری، را در تفرقه بیانداز و حکومت کن در درون طبقه کارگر را نادیده بگیریم، اکثریت افرادی که برای زنده ماندن مجبورند نیروی کارفیزیکی و ذهنی شان را بفروشند، طبقه کارگر را تشکیل می دهند. بر این پایه، آنچه کارمند، پرسنل اداری و غیره نامیده می شوند، کارگران ذهنی اند. در کارفیزیکی ابزار گوناگون همراه با کار ذهنی مطرح است و در کار ذهنی، عمدتاً فعالیت ذهنی در آموزش و پرورش ویا استفاده از وسایل گوناگون الکترونیکی، بویژه کامپیوتر همراه با فعالیت ذهنی.) زنان معلم احتمالاً درصد بیشتر معلمان ایران را تشکیل می دهند. مسئله پدرسالاری و شرایط نامناسب استخدامی زمینه هائی است که زنان معلم می توانند به تاسی از کارگران دختر "کارخانه کبریت سازی برایت می" نقش تاریخی هم به لحاظ سازمانیابی طبقه کارگر و هم مبارزه علیه سنت مرد سالاری و لغو قوانین ضد زن فرا-طبقه ایفا کنند.

۳- محلات کارگری

کارگران زن و مرد در موسسات تولیدی-خدماتی کار می کنند. ولی، نه تنها اینان، بلکه، خانواده های کارگری، فرزندان، خویشان، بستگان، بیکاران، بازنشسته ها و افراد دیگر در محلات کارگری زندگی می کنند. خویشاوندان و دوستان از محلات شهرهای دیگر برای دیدار به محلات کارگری شهرهای دیگر می آیند، همچنین محلات کارگری باهم دیگر آمد و شد دارند. کارگرانی که برای کار به شهرهای دیگر، نظیر تهران می آیند نه به نواحی طبقات متمول نشین شمال شهر، بلکه راهی جنوب شهر تهران و محلات کارگری می شوند. در بالا یاد آورد شدم، آنچه بنام سامان یابی طبقه کارگر نام داشت، درحقیقت توجهش صرفاً به کارگران شاغل بوده است. البته، در اهمیت کارگران شاغل در موسسات تولیدی-خدماتی شکی نیست. ولی، کارروشنگری و سازمان یابی محلات کارگری مهستی، اهمیت خاص خودشان را دارند. محله نه یک هستی خنثی، بلکه نوعی همبستگی و همیاری را افاده می کند. می توان در سطح رقیق محله را در کمرونگی از کمون یا کامیونیتی در کشورهای غربی قرار داد. محلات کارگری آکنده از مشکلات هستند، و در همان حال زمینه بالقوه، اندرتوان، برای روشنگری و سازمانیابی دارند (در گذشته، جریانات مذهبی فعالیت گسترده موفق در منازل محلات کارگری داشتند).

محلات کارگری محل مناسبی برای ترویج و آگاهی اهالی محلات و بویژه آموزش علیه مرد سالاری مردها و تصور فرودستی زنان فراهم می کند. منازل کارگری مکان مناسبی برای پائین کشیدن دیوار مردسالاری داشته و نیروی عظیم زنان محلات را برای سامان یابی حول خواست های زنان و همچنین پشتیبانی از اعتراضات بیرون از کارخانه همسرانشان، و شرکت در کنش های اجتماعی را آزاد خواهد کرد. هم اکنون، و در فضای حاکمیت دجا افرادی از جوانان، دختر و پسر در عرصه های گوناگون اجتماعی فعالیت کرده، و درموراری به روشنگری فردی در فضای مجازی پر هزینه اقدام می کنند. چرا، اینان به محلات کارگری نرفته و فعالیت آگاه گرانه نکنند؟

من در بالا توضیح دادم، پیش از خیزش های اواخر حکومت شاه، جریانات مذهبی نظراتشان را در اذهان مردم القاء نموده بودند. اگر، قرار است در رویداد محتمل آینده کمون های محلات، شورا های نواحی و شهرها و شوراهای موسسات تولیدی-خدماتی بر اصل تولید برای آحاد جامعه و به مثابه بدیل روابط سرمایه داری برپا شوند؛ امروز، کار صبورانه آگاه گرانه و سامان یابی در محلات کارگری (البته به سازمانیابی موسسات تولیدی-خدماتی کم بها داده نمی شود)، نطفه های کمون های محلات کارگری را پی ریزی خواهند کرد. براین سیاق، فاجعه شوراهای نا آگاه و آسیب پذیر دوران برآمد انقلابی زمان شاه تکرار نخواهد شد.

محلات کارگری مشکلات فراوانی دارند، و براین پایه عرصه روشنگری گسترده ای برای کنش فعالان مرد و زن. تاسیس رختشوخانه مجهز زحمت زیادی را از دوش زنان و بویژه زنان بچه دار برمی دارد. هم اکنون ۳۰۰ مهد قرآن خوانی برای یادگیری کودکان خرد در نواحی تهران تاسیس شده اند. محلات کارگری نیاز مبرم برای مهد کودک دارند. چرا، از شهرداری نه خواست در محلات مهد کودک دایر کنند. محلات کارگری نیاز به زمین بازی برای بچه ها دارند. به خانه محلات برای برگزاری برنامه های گوناگون نیاز است و غیره.

مضاف بر شورای شهر، تهران به شهرداری های مناطق گوناگون تقسیم شده است. شهرهای دیگر نیز برحسب جمعیت، شورای شهر به چند منطقه شهرداری و یا یک شهرداری نظارت دارد. در انتخابات اخیر شوراهای شهر و دهات، در چندین شهر علیه تقلب در انتخابات اعتراض شد. به سخن دیگر، در این شهر و آن شهر مردم نسبت به کارکرد شوراهای بی تفاوت نیستند. بلکه تلاش می کنند افراد معتمد و نه دست چین شده از سوی مقامات دولتی را انتخاب کنند (۲۲). شاید، در شهرهایی با جمعیت متوسط و پائین تر امکان دخالت مردم و انتخاب اعضاء پیشرو در شوراهای حول پلتفرم های پیشرفته بیشتر باشد. در انتخابات اخیر شوراهای شهر و دهات خانم شیفته بدرآذر به عنوان شهردار جدید شهر سهند، در آذربایجان شرقی، انتخاب شدند. ایشان پیش تر مدتی نیز به عنوان شهردار منطقه ۶ تبریز مشغول به فعالیت بوده است.

جریانات چپ بنا به سنت دیرینه موضوع شوراهای را به برآمدهای انقلابی واگذار می کنند. به این دلیل، هرگونه کنش و دخالت در شوراهای در حاکمیت دجا را امری منفی تلقی می کنند. ولی، در عرصه مبارزه طبقاتی شیارها و شکاف هائی بروز می کنند، که امکان دخالت را ممکن می سازد. پیش از ادامه مطلب، یاد آور شوم نگرشی اصلاحات را بر اصل تحول تدریجی یا قطره ای جامعه (آنچه اصلاح طلبی معروف است) باور دارد، در مقابل دیدگاهی تحمیل هر درجه ای از اصلاحات را از منظر آسان سازی و کمک به مبارزه طبقاتی برای تحول بنیادی جامعه می نگرد. منباب مثل، چرا نه باید از فرد معتمدی که با پلتفرم پیشرفته، برای تاسیس مهد کودک یا رختشوخانه... برای محلات این شهر یا آن شهر حمایت نکرد. من در بالا به دو مورد اشاره کردم.

قطعا، یکی از عرصه های مهم و شدنی در تحول محلات کارگری و تاثیرش بر مبارزه طبقاتی منازل کارگران است. دوباره یادآوری کنم، در گذشته جریانات مذهبی فعالیت های موفقی حول نظراتشان در محلات کارگری داشتند. اکنون زنان و مردان، بویژه معلمان مرد و زن بنا ویژگی شغلشان آمادگی نظری مناسب ترعام و بویژه در زمینه تاریخ مادرسالاری و تحولش به پدرسالاری و پیدائی سنت تبعیض جنسی داشته باشند. کلام آخر، بهر مقیاسی که شکاف مضرپدرسالاری بین زن و مرد بهم آید، فاصله در درون طبقه کارگر دوشقه شده به درجاتی ترمیم خواهد یافت. شاهد حضور هر چه بیشتر زنان و فرزندان و قوم و خویشان در صفوف اعتراضات کارگری باشیم.

مراد عظیمی

۲۰۱۷/۰۸/۲۸

یادداشت ها

- ۱- چارلز فوریه، سوسیالیست تخیلی فرانسوی، ۱۸۳۷-۱۷۷۲
- ۲- النا مارکس سرمایه داری را سیستم تولید کالائی پدرسالاری تعریف می کند. زندگینامه النا مارکس، ریچل هلمز، ص ۳۲۶ مارکس، سرمایه، کاپیتال،
- ۳- سرمایه، کاپیتال، مارکس
- ۴- بجاست نقل قولی از خانم شیرین نظیری فعال زنان افغانستان در خصوص رابطه زندگی مشترک زن و شوهر بیاورم: به قسم نمونه یک خانواده ی امروزی را از نظر می گذرانم؛ « در جریان روز زن و مرد هر دو شغل بیرونی دارند، همین که هر دو به خانه برمی گردند، مرد مصروف روز نامه و یا

کتاب خوانی و یا مصروف مشاهده تلویزیون و یا هم باز نمودن کمپیوتر خود می شود و با صدای بلند از بانوی خود یک نوشیدنی "چای" نیز مطالبه می کند.

بانو نخست مصروف رسیده گی به خواهشات کودکان قد و نیم قد خود گردیده و ثانیاً چای همسر را با عجله آماده می سازد و درگام بعدی برای پختن غذای شب آماده گی می گیرد. پس از صرف غذا، کمک به کار خانه گی کودکان آغاز شده و سپس از کارخانگی، زمان آماده ساختن کودکان در بسترهای شان فرامی رسد، همینکه کودکان آرامیدند و هم چنین ظرف شویی و پاک کاری آشپز خانه تمام شد. بانو؛ نظری بسوی ساعت می افگند. می بیند که وقت به پایان رسیده و چشمان و جسم خسته اش انتظار خواب را دارد و با یک دنیا خسته گی به بستر خود می رود و فردا باز هم روزی دیگر و

۵- نماینده مجلس: ۲ هزار کودک مطلقه در ایران داریم

طیبه سیاوشی، نماینده مجلس ایران با اشاره به روند افزایش ازدواج کودکان در ایران گفت: "اکنون ۲ هزار کودک مطلقه داریم که اینها کودکانی هستند که از دواج آنها ثبت قانونی شده بود، یعنی ممکن است تعداد از این هم بیشتر باشد."

به گزارش ایلنا، وی با تاکید بر اینکه این کودکان با مشکلات فراوانی مواجه می شوند چرا که بدن دختر ۱۱ یا ۱۲ ساله آمادگی بارداری را ندارد، گفت: "آنها خودشان بچه هستند و اولین بارداری یک ریسک بالاتری نسبت به بارداری دوم دارد و این بچه ها ۲ برابر ریسک را می پذیرند و دچار باروری های زودرس می شوند که در اکثریت موارد دچار سقط جنین های مکرر می شوند."

خانم سیاوشی همچنین افزود: "ابعادی از پدیده کودک همسری همچنان پوشیده است، یکی از این ابعاد نگران کننده، تعداد سقط جنین های مکرر کودکان است که در صدد دستیابی به آمار دقیق هستیم."



ILNA

۶- برخلاف مذهب شیعه، صیغه یا متعه را اهل سنت معتقدند تا زمانی که پیامبر زنده بوده رواج داشته، اما او هنگام بازگشت از واپسین سفر خود به مکه (حجة الوداع) آن را حرام اعلام کرده است.

۷-، آغاز پیکار «یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تبعیض آمیز» در سال ۱۳۸۵ و حامیان اولیه: شیرین عبادی، سیمین بهبهانی، شهلا لاهیجی، بابک احمدی، شهلا اعزازی، ناصر زرافشان، نرگس محمدی، منیرو روانی پور، فریده غیرت، شهلا شرکت، اردشیر رستمی، فرزانه طاهری، فریبرز رئیس دانا، معصومه حیات غیبی، بنفشه حجازی، مائده طهماسبی، فرهاد آئیش، عمران صلاحی، هومن فخار، مهوش شیخ الاسلامی، مجید تولایی، ناهید توسلی، جعفر پناهی، خدیجه مقدم... حمایت فعالین اجتماعی مردان یکی از جنبه های بهین این کمپین بوده است. علاقمندان می توانند، برای کسب اطلاعات بیشتر، از وبگاه طرح تغییر برای برابری دیدن نمایند.

- ۸- خمینی در راستای مخالفتش با اصلاحات ارضی شاه در سال ۱۳۴۱، دادن حق رای به زنان را نکوهش کرد، و در برهه وقایع سیاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ طرفداران خمینی به زنان با پوشش مدنی حمله کرده و رویشان اسید می پاشیدند.
- ۹- عکسی از تظاهرات زنان علیه حجاب اسلامی.



۱۰- علاقمندان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد گذار از مادر تباری، سالاری، به پدرسالاری، به تحلیل انگلس از اسطوره الیاد و ادیسه همر، به اثر وی "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، و در خصوص حماسه گیل گمیش و الهه های بین النهرین، Mesopotamia، به کتاب "بیانیه ای، مانیفستی، برای تمدن دموکراتیک" اثر عبدالله اوجالان، به زبان انگلیسی، مراجعه کنند.

۱۱- ما در نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد سه کشف دوران ساز، یا رمزگشایی از، الف، منشاء انواع داروین، ارزش اضافی منشاء سود سرمایه داری از مارکس و منشاء خانواده از لوییژ هنری مورگان هستیم.

۱۲- این گونه از مقاربت زنان و مردان شدیداً از سوی به اصطلاح طرفداران اخلاق و تقوای خانواده نکوهش می شوند. انگلس جواب شایسته ای به این انتقادات دارد: اگر تک همسری سفت و سخت بالاترین مرتبت تقوی باشد، در آن صورت باید جایزه را به کرم کدو داد که یک ردیف کامل آلت تناسلی مردانه و زنانه در هر یک از ۵۰ تا ۲۰۰ واحد، Proglottides، دارد، و تمام زندگی اش مشغول جفتگیری با خودش است. انگلس، "خانواده، مالکیت خصوصی و دولت".

۱۳- علاقمندان به تحلیل ازدواج تک همسری، بورژوازی، می توانند از بخش اول این نوشته در سایت www.bee-hive.org دیدن کنند.

۱۴- مثل معروف مهرم حلال جانم آزاد اشاره به این دارد که، اگر زنی خواست از شوهرش طلاق بگیرد از مهریه اش بگذرد

۱۵- جایگاه زن در اسلام از محورهای اصلی مناقشه در جوامع مسلمان امروزی است و این موضوع در روزهای اخیر همزمان با روز جهانی زن. در عصری که به نظر می رسد چارچوبی که در غرب تحت عنوان حقوق بشر شکل گرفته، به گفتمانی غالب و معیاری جهانی بدل شده، پاره ای برآند که عدم تطابق جایگاه زن در شریعت اسلام با این چارچوب و گفتمان، ریشه در ذات و خاستگاه دین اسلام دارد، یعنی این دین، عرف و آداب جامعه ی عربی در هزار و چهارصد سال پیش را بر تمام پیروانش فارغ از اینکه در چه زمانی و در کجای جهان زندگی کنند تحمیل کرده است. پاره ای دیگر نیز بر این باورند که دین اسلام در سرشت خود تضادی با چارچوبهای حقوق بشری کنونی ندارد و احکام شریعت در مورد زنان اگر در ظرف تاریخی و فرهنگی خود گذاشته شود، چه بسا برای زمان خود بسیار هم مترقی و ضامن رعایت حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی آنان بوده است.

برای سنجش این دیدگاهها، نگاهی به جایگاه زن در شهر مکه هنگام ظهور دین اسلام ضروری است و از آنجا که تفاوتی که شرع اسلام میان زن و مرد قائل شده ریشه در عنصر جنسی دارد، ترسیم شمایی از عرف و رفتار حاکم بر روابط زن و مرد در آن تاریخ در این شهر هم ضرورت پیدا می

کند. آنچه در این نوشتار می آید چکیده ای از روایات مورد اجماع در منابع و مراجع تاریخی و اسلامی است و در صورت استناد به سندی واحد و مشخص، نام آن ذکر شده است.

در شهر مکه محدودیتی برای پوشش زنان وجود نداشته و شکل لباس زنان تنها بر اساس کارکرد آن به عنوان تن پوش و زینت تعیین می شده است. برهنگی امری رایج و عادی بوده و حتی رسم بوده که زنان هنگام طواف کعبه (که در آن هنگام بتخانه بود) لباس خود را می کنند و بر زمین می انداختند و برهنه طواف می کردند، گویا با این انگیزه که مردانشان در پایان طواف و به جا آوردن مراسم مذهبی سالیانه که عید حساب می شده، به آنان لباس نو هدیه دهند. آن گونه که در "صحیح مسلم" نوشته شده، در سال پس از فتح مکه (سال نهم هجری) پیامبر اسلام دستور داد در مسجدالحرام جار بزنند که زنان نباید برهنه شوند. به باور مفسران قرآن، آیه سی و یکم سوره اعراف که می گوید «یا بنی آدم خذو زینتکم عند کل مسجد... (ای فرزندان آدم هنگام ورود به هر مسجدی زینت خود را به همراه داشته باشید) برای نهی زنان از برهنگی در مسجدالحرام نازل شده است.

دوستی و معاشرت میان زن و مرد رایج و عادی بوده و به آن خدن می گفتند. به دوست پسر خلیل و به دوست دختر خلیله می گفته اند. چنین دوستانی با هم ازدواج نمی کردند اما نوعی تعهد هم میانشان بوده و غیر از یکدیگر با کسی دیگر چنین رابطه ای برقرار نمی کردند. از عبدالله بن عباس، پسر عموی پیامبر نقل شده که اگر این دوستی به رابطه جنسی می انجامیده، می کوشیدند این رابطه را پنهان کنند و تا زمانی که این رابطه پنهانی بوده از دید دیگران اشکالی نداشته است، اما در صورتی که رابطه جنسی خود را علنی می کردند سرزنش می شدند. اما پس از ظهور اسلام، قرآن مردان را از ازدواج با زنانی که دوست پسر (خدن) داشته اند نهی کرد (سوره نساء آیه ۲۵)، چه رابطه جنسی آنان آشکار بوده باشد و چه پنهان (سوره انعام آیه ۵۱).

مکه مرکز تجاری و زیارتی شبه جزیره عربستان بوده و تن فروشی زنان نیز یکی از راههای کسب درآمد در این شهر بوده و نقش مهمی در درآمد برخی از خانواده ها داشته است تا آنجا که گفته می شود بزرگان یکی از قبائل از پیامبر خواستند که زنا را برای آنان حلال کند تا مسلمان شوند، چون کسب و کار آنان از این راه است. زنان تن فروش با پارچه سرخ رنگی شناسایی می شدند که بر در خانه می آویختند. بیشتر این زنان همسران مشخص و مشخصی داشتند و نامهای این زنان که به روایاتی نه نفر و به روایاتی دیگر، بیش از ده نفر بودند و باغیه (زناکار) نامیده می شدند در کتابهای تاریخ ثبت است.

از دید "اسامه عکاشه"، نویسنده مصری، بخشی از نزاع بر سر اسلام در مکه، به سبب همین سنت بوده که شماری از قبائل از طریق آن کسب درآمد می کردند و شماری دیگر آن را ننگ می دانستند که پیامبر اسلام هم به همین قبائل تعلق داشت و در دینی که آورد، زنا حرام و مستحق مجازات دانسته شد. زنانی که با مردان متعدد رابطه جنسی برقرار می کردند اگر شمار این مردان کمتر از ده نفر بود، در صورتی که باردار می شدند این حق را داشتند که پس از تولد فرزند، هر یک از این مردان را که بخواهند به دلخواه خود به عنوان پدر او برگزینند و معرفی کنند. آن مرد یا دیگر مردانی که با وی رابطه داشتند نیز حق نداشتند با انتخاب او مخالفت کنند. به چنین رسمی رهط می گفتند. در صورتی که شمار مردانی که با این زن رابطه داشتند بیش از ده نفر بود، آنگاه تصمیم اینکه فرزند از آن کیست با آن مردان بود.

زنان به شیوه های گوناگون به همسری مردان در می آمدند که بستگی به جایگاه اجتماعی خانواده شان داشت. رایجترین شیوه، خریداری زنان بود که به پدر دختر مبلغی می پرداختند و دختر را که ممکن بود حتی تازه متولد شده باشد از او می خریدند. شیوه رایج دیگر، به اسیری گرفتن زنان در جنگها بود. یا اینکه دو مرد دخترانشان را به یکدیگر می دادند (معروف به شغار) یا در مواردی، زنان همسرانشان را با یکدیگر عوض می کردند (معروف به بدل). گاه مردان با پرداخت مبلغی به زن برای مدت معینی با وی رابطه برقرار می کردند (متعّه). هنگامی هم که مردی از دنیا می رفت، همسرانش به پسرانش به ارث می رسیدند (مقت). در مورد رابطه با محارم همان ممنوعیتهایی که در دین اسلام

هست پیش از اسلام هم برقرار بود با این تفاوت که مردان می توانستند دو خواهر را با هم به همسری داشته باشند.

خانواده های متشخص دخترانشان را در مقابل دریافت مبلغی که به آن صداق می گفتند به یکدیگر می دادند و تصمیم با پدر یا ولی دختر و پسر بود. به این شیوه بعوله می گفتند (برگرفته شده از کلمه بعل به معنای شوهر). همین شیوه از همسری بود که دین اسلام بر آن صحه گذاشت و به عنوان ازدواج مورد تایید و رسمی برگزید و دیگر شیوه ها را ممنوع کرد. همسری با زنانی که در جنگ اسیر گرفته می شدند را نیز جایز شمرد و در مورد متعه اهل سنت معتقدند که این سنت تا زمانی که پیامبر زنده بوده رواج داشته اما او هنگام بازگشت از واپسین سفر خود به مکه (حجة الوداع) آن را حرام اعلام کرده است، اما بیشتر علمای شیعه چنین روایتی را نمی پذیرند و متعه را مورد تایید اسلام می دانند. در بسیاری از قبایل، پیوندهای زناشویی چندان استحکامی نداشته و تعصب چندانی بر روابط خارج از ازدواج وجود نداشته است. یکی از سنتهای رایج استبضاع نامیده می شده به این معنی که مردانی که بچه دار نمی شدند یا اینکه می خواستند از فردی که از لحاظ جسمی قوی و تنومند بود یا به صفاتی همچون شجاعت و دانایی شهرت داشت دارای فرزندی شوند، همسر خود را برای هم خوابگی نزد او می فرستادند و تا زمانی که مشخص می شد همسرشان از آن مرد باردار شده است با او نزدیکی نمی کردند، فرزندی هم که این گونه به دنیا می آمد فرزند خودشان محسوب می شد نه فرزند آن کسی که همسرشان از او باردار شده است.

در سالهای قحطی یا از شدت فقر نیز گاه مردان همسرشان را به خانه ثروتمندان می فرستادند تا در ازای همبستری با آنان پول یا غذا دریافت کنند. به چنین رسمی مضامده یا ضماذ گفته می شده است. زنان حق جدائی از همسر را داشتند مشروط بر آنکه مبلغی به شوهر بپردازند. به این رسم خلع می گفتند که اسلام نیز بر آن صحه گذاشت و در فقه تحت عنوان طلاق خلع رسمیت یافت که زن می تواند با بخشیدن همه یا بخشی از مهریه اش از همسرش جدا شود. همچنین می توانستند هنگام ازدواج شرط کنند که حق طلاق داشته باشند که این حق هم در اسلام تایید و به رسمیت شناخته شد. عده نگه داشتن پس از جدایی رایج نبوده و زنان می توانستند بلافاصله پس از جدایی به همسری مرد دیگری در آیند. حکایت مشهوری نزد اعراب هست که پیش از اسلام زنی به نام ام خارجه بوده که بیش از چهل بار ازدواج کرده و طول هر بار ازدواجش میان یک شب تا حداکثر، چند روز بوده است. بر اساس این حکایت ضرب المثلی در زبان عربی هست که در کنایه به کاری که خیلی سریع و شتابزده انجام می شود می گویند سریعتر از ازدواج ام خارجه (اسرع من نکاح ام خارجه).

در خانواده های مرفه، در مورد بچه ها رسم بر این بوده که مادران بچه هایشان را شیر ندهند و آنان را پس از تولد به دایه بسپارند. پیامبر اسلام را نیز مادرش شیر نداد و هشت زن مختلف به او شیر دادند که معروفترینشان حلیمه است. حتی هنگامی که بچه را از شیر می گرفتند، برای او پرستار (حاضنه) می گرفتند تا او بچه را بزرگ کند. پیامبر اسلام نیز با اینکه تا شش سالگی مادرش زنده بود، پرستاری به نام ام ایمن داشت. آن گونه که "ابن سعد" در "کتاب طبقات کبیر"، یکی از مراجع اصلی تاریخ صدر اسلام نوشته، دلیل اینکه بچه ها را مادران شیر نمی دادند و بزرگ نمی کردند این بوده که زنان بتوانند براحتی و آزادانه به معاشرت جنسی با همسرشان ادامه دهند و دوباره باردار شوند و همچنین این اعتقاد وجود داشته که رابطه جنسی به شیر مادر زیان می رساند. نوزادان پسر را حتی از محیط خانه دور می کردند و همراه با دایه به بادیه یعنی بیرون از شهر می فرستادند تا همان جا بزرگ شود (در مورد پیامبر اسلام نیز چنین کردند).

دین اسلام فرهنگ جامعه مکه را کاملاً تغییر داد و بسیاری از عادات رایج در آن را ممنوع کرد، اما این تغییر و ممنوعیت یکباره و ناگهانی نبود. به نظر می رسد آغاز این تغییرات پس از ورود پیامبر به مدینه بود که فرهنگ مردم آن از لحاظ رفتارهای جنسی و معاشرت با زنان با مکه متفاوت بود.

"اوس" و "خزرج"، دو قبیله اصلی مدینه همچون مردم مکه بت پرست بودند، اما بخشی از شهر را "هودیان" تشکیل می دادند که جایگاه زنان در جامعه آنان بر اساس دین یهود تعریف می شد. در این

جامعه، ازدواج ضابطه مند وجود داشت، رابطه خارج از ازدواج ممنوع بود و برای پوشش زنان نیز نوعی حجاب در نظر گرفته شده بود.

با ورود پیامبر به مدینه، بت پرستان و بخشی از یهودیان به دین اسلام گرویدند و پیامبر جایگاه حاکم این شهر را یافت و نخستین حکومت اسلامی برپا شد. آن گونه که در کتب تاریخ ثبت است، پس از مدتی مردان مدینه از رفتارهای مهاجرانی که از مکه آمده بودند با زنان به او شکایت کردند. دو روایت معروف در مورد مردانی از اهالی مدینه هست که نزد پیامبر شکایت کردند که مردانی از مهاجرین اهل مکه را در حال همبستری با همسر خود یافته اند ("هلال بن امیه" و "عویمر بن زید" معروف به "ابو دردا"). آن گونه که در روایات آمده پیامبر رفتاری مماشات گونه در قبال این شکایات داشت و کوشید که قضیه را فیصله دهد بی آنکه کار به مجازات آن مردان و زنان بکشد، اما از آن پس بتدریج آیاتی از قرآن نازل شد که بر رفتارهای مهاجران مکی پایان داد و همچون دین یهود، محدودیتهایی بر زنان اعمال کرد و برای روابط خارج از ازدواج مجازاتی تعیین کرد. پس از فتح مکه، همین قوانین و ممنوعیتهای و محدودیتهای در مکه نیز اعمال شد.

گروهی از مدافعان دین اسلام می گویند اینکه زنان و مردان در مکه پیش از همه گیر شدن اسلام آزادیهای بیشتری داشتند لزوماً به این معنی نیست که زنان از جایگاه و حقوق بهتری برخوردار بودند بلکه چه بسا حاکی از کم اهمیت شمردن زنان و نگاه شیئی گونه به آنان بوده است. دین اسلام پیوند زناشویی را نظام مند کرد، برای زنان حقوقی تعیین کرد. زنانی که پیشتر خودشان جزو حق الارث به حساب می آمدند دارای حق ارث شدند، مرد مجبور به تامین مالی همسر و پرداخت مهریه به او و حتی پرداخت دستمزد برای شیر دادن بچه شد. البته امروزه کم نیستند باورمندان به دین اسلام که می گویند شاید این دین در هزار و چهارصد سال پیش جایگاه زنان را ارتقا بخشیده باشد، اما گذر زمان و بروز برداشتهای گوناگون و گاه افراطی از این دین از سویی و مقتضیات زمانه ایجاب می کند که در احکامی که شریعت برای زنان وضع کرده، تجدینظر شود، تجدینظری که به باور آنان، با سرشت و روح دین اسلام در تضاد نیست. نویسنده، مهرداد فرهمند، روزنامه نگار بی بی سی در قاهره.

۱۶- در اعتصاب تاریخی سال ۱۳۰۵ کارگران زن و مرد شرکت نفت ایران و انگلیس شرکت کردند. و جالب اینکه، با وجود دستگیری فعالین کارگری مرد، زنان به ابتکار خود اعتصاب را ادامه دادند. خاطرات رزمنده و رهبر کارگری، یوسف افتخاری

۱۷- برگزاری پانزدهمین دوره بازیهای بومی محلی به میزبانی سنه (سنندج)



- خبرگزاری فرات
- میسا کلهر - سنه
- اوت ۲۰۱۷, ۱۲:۴۸, یکشنبه

پانزدهمین دوره بازیهای بومی محلی در شهر سنه روژهلات کردستان برگزار شد. در این دوره بازیها مسابقات اسب سواری در چندین ماده برگزار شد و شرکت کنندگان به رقابت پرداختند. در این دوره از مسابقات زنان کرد به صورت گسترده در این رقابتها شرکت کردند و توانستند چندین مقام را نیز بدست آورند.

در این دوره پنجاه سوارکار در دو رده زنان و مردان شرکت کردند و به هنرنمایی با اسب در دو رشته ترکیبی پرچم برداری و مارپیچ پرداختند. در پایان نفرات اول تا سوم هر دو رده زنان و مردان

با رأی داوران برگزیده شدند. این دوره از مسابقات با پیشاهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و همچنین هیئت بازیهای بومی در باشگاه سوارکاری سهند واقع در حومه سنه برگزار گردید.

۱۸- النا سنت پدرسالاری و برتری مردان را در بین بعضی از بخش های جنبش سوسیالیستی تجربه کرد. اینان زنانی را که نظراتشان را با شهادت بیان کنند، تنبیه می شوند. مادر ما (منظور النا) درمجامع عمومی دارد خیلی قدرتمند می شود. لازم است جایش را بداند. النا که برای اولین بار متوجه می شد، او را مخصوصا به خاطر زن بودن مورد حمله قرار داده اند. علیرغم اینکه النا دبیر و یکی از سه نفر نماینده از اتحادیه کارگران گاز به کنگره اتحادیه های کارگری بود، او را از شرکت در کنگره سال ۱۸۹۰ محروم کردند. بیوگرافی النا مارکس، نوشته ریچل هلمز، پاراگراف اول و دوم، ص ۳۳۹.

۱۹- دختران نوجوان ۹ تا ۱۴ سال در کارخانه "کبریت سازی برایت می" روزانه ۱۴ ساعت، بدون هیچ وسیله ایمنی برای جلوگیری از استنشاق مایع حاوی گازهای مسموم کننده فسفرسفید کار می کردند. لثه بسیاری از این طفلک ها شدید آسیب دیده بود. صاحب کارخانه "برایت می" مومن مسیحی و لیبرال به بهانه های کذائی کارگران دختر را جریمه سنگین می کرد، و به هزینه این طفلک ها مجسمه قهرمانش نخست وزیر گلاستون را جلو کارخانه برپا کرده بود. -

۲۰- ویل ثورن از ۶ سالگی مجبور گردید کار کند و کارگری بی سواد بود، تا اینکه، نه تنها، النا بوی سواد آموخت، بلکه به او تا سطح یک رهبرسخنور کارگری کمک فکری نمود. بعدها، با تاسیس حزب کارگر، ویل ثورن نماینده مجلس شد. هم چنین، سه نفر از رهبران کارگری اتحادیه های نوین به ترتیب "جان برن"، "بین تیلت" و "تام من" تحت آموزش سیاسی و سوسیالیستی النا قرار گرفتند. گرچه، پیشتر از النا، "مری ولستون کرافت" بمثابه پایه گذار فمینیسم در مقطع انقلاب فرانسه و همینطور، تحت تاثیر دوران روشنگری و انقلاب فرانسه، روشنفکران در آلمان از برابری جنسی حمایت می کردند، النا اولین زنی است که فراتر از پشتیبانی معنوی برای برابری جنسی، در درون زنان کارگر فعالیت نمود.

۲۱- علاقمند می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به بخش اول مقاله در سایت www.bee-hive.org مراجعه کنند.

۲۲- به نقش خانم ناهید اسکندری، عضو شورای شهر سرکان، ایضا به بخش اول مقاله از سایت بالا دیدن کنید.

:

